

## شخصیت‌پردازی قهرمان در منظومه‌های عاشقانه رزمی (از قرن پنجم تا پایان قرن دهم)

محبوبه علی حوری\*

### چکیده

دسته‌ای از آثار ادبی شامل منظومه‌های روایی با درون‌مایه مبارزه قهرمان در مسیر پرفراز و نشیب عشق به‌منظور وصال است که با عنوان «عاشقانه رزمی» معرفی می‌شوند. از آثار معرف این ژانر از قرن پنجم تا دهم منظومه ورقه و گلشاه عیوقی، همای‌نامه سروده شاعری ناشناس، سام‌نامه، همای و همایون خواجوی کرمانی، مثنوی جمال و جلال سروده نزل‌آبادی و بدیع‌الزمان‌نامه از شاعری ناشناس است. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های ژانری روایات در ضمن شخصیت‌پردازی قهرمان آشکار می‌شود. قهرمان این دسته از روایات به‌سبب قرارگرفتن ذیل یک ژانر واحد، برخی ویژگی‌های مشترک دارد. داستان منظومه‌های عاشقانه رزمی به روایت زندگی قهرمان‌هایی می‌پردازد که شخصیتشان جامع، ناشناخته، از نسل بزرگان و شاهان، قهرمان مسافر، عاشق، پهلوان، اخلاق‌گرا، صلح‌طلب، یزدان‌پرست، موفق، عیار، و قهرمان مطلوب عامه است. ازسوی دیگر، به‌سبب عوامل واقع‌نما، سنت نقل و برون‌متن، می‌توان قهرمان را بر مبنای یک تقسیم‌بندی ایرانی-اسلامی در یکی از مراتب خدا، پیامبر، اولیاءالله، رهبر و مردم عامه قرار داد که در روایت عیوقی، رهبر و در دیگر روایات، اولیاءالله است؛ نیز، براساس نظریه فرای، قهرمان این روایات در مرتبه‌ای برتر از دیگر انسان‌هاست. شخصیت قهرمان، به میزانی متغیر، به‌سبب ذائقه ادبی مردم و شهرت برخی آثار ادبی در دوره سرایش تحت‌تأثیر شخصیت‌پردازی داستان‌های شاهنامه، اسکندرنامه تقالی و حمزنامه است. با توجه به وضعیت سیاسی و مذهبی حاکم بر جامعه عصر سراینده، مذهب قهرمان به‌تدریج برجسته می‌شود، تا جایی که در بدیع‌الزمان‌نامه به قهرمان متعصب تبدیل می‌گردد.

**کلیدواژه‌ها:** منظومه‌های روایی، عاشقانه رزمی، شخصیت‌پردازی، قهرمان.

\*دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد m.alihoory@yahoo.com



تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

فصلنامه مطالعات و تحقیقات ادبی دانشگاه خوارزمی با همکاری انجمن علمی هنر و ادبیات تطبیقی ایران

سال ۱۲، شماره ۴ (پیاپی ۲۲)، زمستان ۱۴۰۰، صص ۱۱۵-۱۴۲

## The Characterization of the Protagonist in Romance-Chivalry Poems From the 5th century to the end of the 10th century A.H.

Mahboubeh Alihoury\*

### Abstract

“Romance-Chivalry” as a literary genre, narrates in poetic terms the protagonist’s struggle to achieve the beloved. Ayyuqi’s *Varqa and Golshāh*, *Saam Nameh*, Khwaju Kermani’s *Homay o Hodayun*, Nazl Abadi’s *Masnavi-e Jamal and Jalal*, and *Humay Nameh* and *Badi al-Zaman Nameh* (by an anonymous poet) are among the outstanding works in this genre from the fifth to tenth Hijri centuries. The characterization of the protagonist is among the most significant narrative characteristics of this genre. The shared characteristics between the protagonists can be classified as a genre. The protagonists in this genre, who have multidimensional and mysterious personalities and are of noble and royal descendants, are portrayed as lovers, moralists, pacifists, theists, and chivalrous which render them popular among people. Also, based on context and narrative traditions, the protagonist can be characterized within an Iranian-Islamic axis where he is presented as prophet, saint, leader, and commoner. In Ayyuqi’s work, the protagonist is a leader. According to Northrop Frye, the protagonist is superior to ordinary people. The protagonist’s personality, to various degrees, follows the characterization tradition *Shahname*, *Eskandar Nameh-e Naghalli*, and *Hamzeh Nameh*. Gradually, The protagonist’s religiosity becomes prominent which accords with the dominant political and religious circumstances of the poet’s society, to the extent that in *Badi al-Zaman Nameh* we witness dogmatic protagonist.

**Keywords:** Narrative Poetry, Romance-Chivalry, Characterization, Protagonist.

---

\* PhD holder in Persian Language and Literature, University of Ferdowsi, Mashhad, [m.alihoory@yahoo.com](mailto:m.alihoory@yahoo.com)

## ۱. مقدمه

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های ژانری و برون‌متنی آثار در ضمن پرداخت شخصیت قهرمان، به‌منزله مهم‌ترین شخصیت متن، نمود می‌یابد. در این مقاله، به‌منظور بازنمایی آن ویژگی‌ها در ژانر «عاشقانه رزمی» (علی‌حوری، ۱۳۹۹)، به‌تطور شخصیت قهرمان در شش روایت منظوم فارسی در بازه زمانی قرن پنجم تا دهم پرداخته شده است تا از رهگذر تحلیل ویژگی‌های قهرمان در هریک از این آثار، شاخص‌های مشترک و متمایز قهرمانان در تعدادی متن با ژانر مشترک و در بازه زمانی مشخص برشمرده شود و عوامل اثرگذار در خلق چنین قهرمانانی برجسته شود.

در این پژوهش، منظومه‌های روایی با درون‌مایه تلاش و مبارزات قهرمان در مسیر پرفراز و نشیب عشق به‌منظور وصال مطالعه شده است که نمودی از شکل‌گیری کنش‌ها و رفتارهای بیرونی برپایه عواطف و احساسات درونی به‌سبب وجود دو انگیزه محوری عشق و کین‌خواهی است که با عنوان «عاشقانه رزمی» معرفی می‌شوند. برای کسب نتیجه قابل استناد، شش منظومه از قرن پنجم، از قدیمی‌ترین متن‌های موجود در این نوع ادبی، تا قرن دهم انتخاب شده است.

از میان آثار موجود، منظومه ورقه و گلشاه عیوقی و همای‌نامه سروده شاعری ناشناس نخستین منظومه‌های شایسته بررسی و تنها آثار این ژانر از قرن پنجم و اواخر ششم هستند. به‌دلیل ابهام‌هایی که درباره زمان سرایش *سامنامه* وجود دارد و به‌سبب اشتراک ابیات بسیاری از این منظومه با همای و همایون خواجهی کرمانی از قرن هشتم، از این دو منظومه نیز در پژوهش بهره برده‌ایم. در قرن نهم، فقط *مثنوی جمال* و *جلال* نزل‌آبادی از میان منظومه‌های روایی در این نوع شایسته مطالعه است؛ گرچه این مثنوی نماینده نوعی گذار از عاشقانه رزمی به متون عرفانی است. بدیع‌الزمان‌نامه از شاعری ناشناس سروده قرن دهم آخرین اثر از این دسته است که نسبت به دیگر آثار این قرن از شاخص‌های بیشتری در نوع عاشقانه رزمی برخوردار است.

### ۱.۱. پیشینه پژوهش

مقالات متعددی درباره قهرمان روایات برمبنای نظریه‌های مختلف و شیوه‌های گوناگون تحلیل شخصیت نوشته شده است که از آن‌میان، نخست، مقاله نسرين شکیبی ممتاز و مریم حسینی (۱۳۹۲) است که نویسنده‌گان به تحلیل روان‌شناختی تولد قهرمان و طبقه‌بندی انواع حکایت‌ها براساس نوع تولد او از دیدگاه فروید و یونگ پرداخته‌اند و معتقدند که

بسیاری از داستان‌های اساطیری، قصه‌های پریان و روایات عامیانه ظرفیت تأویل‌پذیری روان‌شناختی در راستای کشف اسرار ناخودآگاه دارند. مصیب اشکی (۱۳۹۲) سعی کرده بر اساس الگوی جوزف کمبل، سیر دگردیسی قهرمانان شاهنامه را نشان دهد که با الگوی کمبل تاحدودی تطابق دارد. عبدالمطلب عبدالله و سید رازق (۱۳۹۰) در پژوهشی، قهرمانان دو رمان مدیر مدرسه و سووشون، مدیر و یوسف، را به دلیل مخالفت با جامعه تباهشان، افرادی مسئله‌دار (از منظر لوکاچ و گلدمن) معرفی کرده‌اند. محمدکاظم کهدویی و مرضیه شیروانی (۱۳۸۸) تأثیر نویسنده زن و مرد را بر شخصیت‌پردازی زنان در دو رمان سووشون و شوهر آهوخانم بررسی کرده‌اند. محمد حنیف (۱۳۸۳) بر اساس تقسیم‌بندی شخصیت در آثار دراماتیک، شخصیت‌های شاهنامه را در چهار دسته کلی سمپاتیک، آنتی‌پاتیک، پشتیبان و فرعی قرار داده است. عبدالعلی ادیب برومند (۱۳۵۷) به اوصاف رستم در ضمن داستان‌های شاهنامه پرداخته است که به شیوه تحلیل پژوهش حاضر بر اساس داده‌های متن نزدیک است. مهدی فروغ (۱۳۵۴) بر مبنای ویژگی‌های شخصیت قهرمان در تراژدی‌های یونان، رستم را در داستان «رستم و سهراب» قهرمان تراژدی دانسته است نه حماسه. سیروس پرهام (۱۳۳۶) نیز شخصیت‌های امیرارسلان، حسین کرد و امیرحمزه را به‌عنوان سه قهرمان مشهور عامه بررسی کرده است.

## ۲.۱. اهمیت پژوهش

یکی از زمینه‌های مهم در مطالعه و تحلیل آثار ادبی، بازشناخت شخصیت قهرمان در دسته‌ای مشخص از متون از رهگذر بررسی موردی و دقیق هر متن است. شاعران و نویسندگان هر عصر، بنابر معیارهای ارزشی، فرهنگی، ادبی، اجتماعی و سیاسی زمان خود در آثارشان قهرمان تازه‌ای می‌آفرینند که هم‌زمان از شاخص‌های مشترک در تعریف نوع ادبی خاص نیز برخوردار است. شخصیت‌شناسی قهرمان به‌عنوان شخصیت محوری هر متن محقق را به شناخت عوامل خلق قهرمانی با ویژگی‌های منحصر به فرد راهنمایی می‌کند که نه تنها در حوزه ادبیات، که در زمینه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیز خواننده به شناخت بهتر و دقیق‌تری از مخاطب آن آثار دست می‌یابد.

## ۲. نوع ادبی «عاشقانه رزمی»

نوع «عاشقانه رزمی» به دوران مملو از پهلوانی و جسارت قهرمانانی با احساسات پاک و واقعی مربوط می‌شود که تحت‌تأثیر جنگ‌های قبیله‌ای و ملی اعمال اغراق‌آمیزی را با میزان متغیری از رویدادهای شگفت‌انگیز در مسیر تکامل خود به نمایش می‌گذارد. این دسته از متون برمبنای عشقی دوطرفه به وجود می‌آید و قهرمان و بزرگ‌بانوی این روایات در مسیر رسیدن به مطلوب (وصال) کردارهای پهلوانی و رشادت و جسارت خود را به نمایش می‌گذارند و بدین ترتیب تلاش هردو برای رسیدن به وصال با رعایت مناسبات اجتماعی، رویدادهای روایت را می‌سازد. در این ژانر، کارکرد اخلاقی و جنبه تعلیمی با محتوای آموزشی از عناصر ثابت و مهم است؛ بنابراین، نوع عاشقانه رزمی، روایتی منظوم از کردارهای پهلوانی و عاطفی قهرمان و بزرگ‌بانوی جنگ‌جو با انگیزه عشق زمینی دوسویه است که با بن‌مایه‌های عامیانه و تعلیمی به پایانی مطلوب (وصال / سلطنت) منتهی می‌شود. این نوع به‌سبب وجود پشتوانه‌های فرهنگی برجسته در متون معرف آن در تاریخ ادب فارسی از اصالت و اهمیت فراوان برخوردار است (ر.ک: علی حوری، ۱۳۹۹: ۱۷۹).

## ۳. معرفی مختصر پیکره متنی مقاله

مثنوی ورقه و گلشاه عیوقی در بحر متقارب با حدود دوهزار و دو بیست بیت<sup>۱</sup> از نخستین منظومه‌های کامل به‌جامانده در ادب فارسی است که برگرفته از روایت جریر<sup>۲</sup> از *داستان عروه و عفر* است. این منظومه، عاشقانه‌ای درآمیخته با رویدادهای حماسی و رزمی در شرح ماجراجویی‌ها و دلاوری‌های ورقه و گلشاه، فرزندان رؤسای قبیله بنی‌شبیبه، برای رسیدن به وصال است. سال آغاز و اتمام سرایش منظومه مشخص نیست، اما با توجه به شاخص‌های زبانی و متنی، منظومه ورقه و گلشاه به احتمال زیاد در اوایل قرن پنجم سروده شده است (همان، ۳۲).

همای‌نامه سروده شاعری ناشناس با ۴۳۳۱ بیت در بحر متقارب، مثنوی عاشقانه درآمیخته با محتوایی حماسی و رزمی در شرح ماجراجویی‌ها و دلاوری‌های همای، شاهزاده مصری، و گل‌کامکار، دختر شاه شام و بزرگ‌بانوی اژدهاکش، برای رسیدن به وصال است. منظومه به‌احتمال زیاد بین قرن ششم تا اواسط قرن هفتم سروده شده است. به‌شکل دقیق‌تر، با توجه به علاقه بسیار سراپنده به *شاهنامه*، شاید منظومه بین سال‌های ۶۱۶ هـ.ق تا ۶۵۵

هق (قبل از هجوم مغول به آسیای صغیر) سروده شده و در سال ۷۰۲ به یکی از مساجد سلیمان شهر آناتولی وقف شده است (همان، ۳۹).

*سامنامه* مثنوی‌ای به بحر متقارب است. حدود ۱۴۵۰۰ بیت دارد و سروده شاعر یا شاعرانی ناشناس است. موضوع *سامنامه* شرح جنگ‌های متعدد و دلیری‌های سام نریمان در راه رسیدن به وصال پری‌دخت، دختر فغفور چین و بزرگ‌بانوی پهلوان، است. صفا *سامنامه* را متعلق به اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم دانسته است. سعید نفیسی آن را سروده پیش از سال ۷۳۲ یا ۷۴۲ هق می‌داند (۱۳۶۳: ۳۳۰ و ۱۳۰۷: ۶۵). طبق تحقیقات وحید رویانی، این منظومه سروده یک‌تن نیست و در گذر زمان دست‌خوش تغییر شده است؛ به این ترتیب، سال سرایش اثر مشخص نیست و به احتمال، بین قرن هشتم تا دهم سروده شده است (*سامنامه*، ۱۳۸۶: مقدمه).

همای و همایون نخستین منظومه از مثنوی‌های پنج‌گانه خواجوی کرمانی در سال ۷۳۲ هق (خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰: ب ۴۲۹۶) با ۴۴۳۵ بیت در بحر متقارب سروده شده و عاشقانه‌ای درآمیخته با محتوایی حماسی و رزمی در شرح ماجراجویی‌های همای، پسر پادشاه شام، و همایون، دختر فغفور چین، در راه وصال است. به گفته شاعر، هنگام شروع سرایش این منظومه «سه ده سال از عمر» او گذشته (همان، ب ۴۲۳) و در بغداد به سر می‌برده است (همان، ب ۲۴۴۷).

منظومه *جمال* و *جلال* در بحر خفیف سروده شده و مثنوی‌ای عاشقانه، عارفانه و درآمیخته با رویدادهای پهلوانی و رزمی است. محمد نزل‌آبادی در سال ۸۰۸ هق این منظومه را در شرح ماجراجویی‌های جلال، شاهزاده ایرانی، و دلاوری‌های جمال، شاهزاده پریان، در راه وصال سروده است. تعداد ابیات آن براساس نسخه منحصر به فرد موجود ۴۷۳۵ بیت است و تعداد واقعی آن به دلیل افتادگی ابیات از قسمت‌های مختلف منظومه مشخص نیست (نزل‌آبادی، ۱۳۸۲: مقدمه). برمبنای شاخص‌های سازنده روایت، مثنوی *جمال* و *جلال* از نمونه‌های گذار از نوع عاشقانه رزمی به نوع عرفانی است (علی‌حوری، ۱۳۹۹: ۲۱، ۱۷۵ و ۱۸۷).

بدیع‌الزمان‌نامه در بحر متقارب با ۳۲۸۷ بیت، مثنوی‌ای عاشقانه با محتوای رزمی است که شاعری ناشناس در سال ۱۰۰۷ هـ.ق آن را در شرح ماجراجویی‌های بدیع‌الزمان، شاهزادهٔ ایرانی، در راه وصال قمرچهر، دختر خاقان چین، سروده است (بدیع‌الزمان‌نامه، ۱۳۸۶: ۱۸۵).

#### ۴. شخصیت‌پردازی قهرمان

«شخصیت»<sup>۳</sup> عامل کنش در داستان است. روایت و شخصیت رابطه‌ای دوسویه دارند؛ ازسویی، روایت قالبی مناسب برای بازنمایی شخصیت است که فضایی فراهم می‌آورد تا شخصیت به تدریج به خواننده شناسانده یا به تدریج دگرگون شود؛ ازسوی دیگر، روایت را شخصیت می‌آفریند که عامل رویدادهاست (کوری، ۱۳۹۱: ۲۰۱).

شخصیتی که مرکز توجه روایت باشد، شخصیت اصلی (پروتاگونیست)<sup>۴</sup> نامیده می‌شود (پرینس، ۱۳۹۱: ۱۵۱). برخی از اشخاص داستان، عامل کنش‌های جریان‌ساز و گسترده در روایت هستند و اعمال دیگر اشخاص، تحت‌تأثیر عملکرد ایشان است که می‌توان از آنان با عنوان «شخصیت اصلی» یاد کرد. این فرد به‌طور معمول شخصیت محبوب راوی و «قهرمان»<sup>۵</sup> روایت است که براساس اهداف و عملکرد او محتوای روایت شکل می‌گیرد و دیگر اشخاص طفیلی او هستند و حیات و تشخص آنان در روایت وابسته به وجود اوست.

#### ۴.۱. ویژگی‌های مشترک شخصیت قهرمان در منظومه‌های عاشقانهٔ رزمی

##### ۴.۱.۱. قهرمان داستان، شخصیت جامع

قهرمان هر داستان شخصیتی پیچیده و پیش‌بینی‌ناپذیر است که توانایی انجام‌دادن رفتارهایی شگفت‌آور را دارد و با عنوان «شخصیت جامع»<sup>۶</sup> شناخته می‌شود (پرینس، ۱۳۹۱: ۱۶۳). در نوع ادبی عاشقانهٔ رزمی، علاوه‌بر رفتارهای پیش‌بینی‌ناپذیر و شگفت‌آور، قهرمان به فراخور زمان و موقعیت، مجموعه‌ای از صفات متضاد وجود آدمی را به نمایش می‌گذارد. قهرمان عاشق بانو است و از کسانی که سبب رنج و ناراحتی معشوق شوند نفرت دارد؛ جنگ‌جوی صلح‌طلب، مبارز فداکار، قدرتمند شکست‌ناپذیر، کین‌خواه جوانمرد و... است که این صفات از او قهرمانی منطبق با روایات بشر می‌آفریند. به‌این‌سبب، می‌توان او را «شخصیت جامع» در این روایات دانست که دیگر اشخاص، با توجه به عملکردشان در برابر این شخصیت، شناخته می‌شوند.

**۴.۱.۲. قهرمان ناشناخته**

قهرمانان قصه‌های عامیانه در تاریخ ناشناخته‌اند (بهرامی، ۱۳۸۷: ۱۰۱)، حتی اگر منشأ حقیقی داشته باشند؛ زیرا عوامل پیرامونی یا برون‌متنی از عوامل مهم در شخصیت‌پردازی داستان‌های فارسی است؛ به طوری که اگرچه داستان *ورقه و گلشاه* از داستان حقیقی *عروه و عفر* تأثیر بسیار پذیرفته و *سام‌نامه* بازآفرینی داستان سام است؛ در مجموع شخصیت‌پردازی در این روایات مستقل و ساخته ذهن خلاق سراینده است. همای در *همای‌نامه* و *همای و همایون*، سام، جلال و بدیع‌الزمان در روایات پیش‌گفته نیز شخصیت‌های شناخته‌شده تاریخی نیستند.

**۴.۱.۳. شاهزاده قهرمان**

قهرمانان در قصه‌های عامیانه از شاهان و شاهزادگان هستند تا با نسبت‌دادن صفات شگفت به آنان حس اعجاب عامه برانگیخته شود و انتساب قهرمان به دنیای پرشکوه و عظمت دربار رویدادهای غیرواقعی را رنگی واقعی دهد (همان، ۹۴). قهرمان این روایات مانند قهرمان قصه‌های عامیانه، اصیل و از نژاد بزرگان است؛ چنان‌که ورقه از فرزندان رؤسای قبایل و همای در *همای‌نامه*، همای در روایت *خواجوی کرمانی*، سام، جلال و بدیع‌الزمان شاهزاده هستند (عیوقی، ۱۳۴۳: ۵؛ *همای‌نامه*، ۱۳۸۳: ۴؛ *خواجوی کرمانی*، ۱۳۷۰: ۲۸۴، *سام‌نامه*، ۱۳۹۲: ۴؛ *نزل‌آبادی*، ۱۳۸۲: ۱؛ *بدیع‌الزمان‌نامه*، ۱۳۸۶: ۴۷).

**۴.۱.۴. قهرمان مسافر**

از نخستین کارکردهای این روایات کارکرد سفر قهرمان است. شخصیت محوری این دسته از روایات یک قهرمان مسافر است که برای یافتن همسر مطلوب خود سرزمین‌ها را درمی‌نوردد تا به سرزمین معشوق برسد؛ پس باید به فراز و نشیب سفر آگاه باشد یا در مواجهه با دشواری‌های راه سفر از توانایی زیادی برخوردار باشد (عیوقی، ۱۳۴۳: ۸؛ *همای‌نامه*، ۱۳۸۳: ۵؛ *خواجوی کرمانی*، ۱۳۷۰: ۲۸۹، *سام‌نامه*، ۱۳۹۲: ۹؛ *نزل‌آبادی*، ۱۳۸۲: ۳۰؛ *بدیع‌الزمان‌نامه*، ۱۳۸۶: ۵۳).

**۴.۱.۵. قهرمان عاشق**

از صفات مهم قهرمان در روایات عاشقانه رزمی، به سبب محوریت انگیزه عشق در این دسته از متون، عاشق‌بودن است که عامل کردارهای پسین ایشان و نیز رفتار دیگر اشخاص سازنده روایات به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم است (عیوقی، ۱۳۴۳: ۶؛ *همای‌نامه*، ۱۳۸۳: ۱۹؛ *خواجوی کرمانی*، ۱۳۷۰: ۲۸۸، *سام‌نامه*، ۱۳۹۲: ۱۱؛ *نزل‌آبادی*، ۱۳۸۲: ۲۷؛ *بدیع‌الزمان‌نامه*، ۱۳۸۶: ۵۰).



## ۴.۱.۶. قهرمان پهلوان

از خویش‌کاری‌های مهم قهرمان در روایات با زمینه حماسی، جنگ با مخالفان است که عامل برجستگی صفات رزمی و پهلوانی قهرمان به سبب محوریت انگیزه کین‌خواهی در این دسته از متون است. قهرمان در این روایات، شجاع، جنگاور و آشنا به فنون رزمی است. تقریباً سرتاسر داستان، ذکر دلاوری‌ها و رشادت‌های قهرمانان است. جنگ تن‌به‌تن، انواع مبارزه (با تیر و کمان، شمشیرزدن، کشتی‌گرفتن، کمند انداختن، گرز برداشتن و...)، تدابیر رزمی (شبیخون، خبرگیری از حریف، فریب‌دادن) و استفاده از انواع سلاح، رجز‌خوانی و تحریک و تهدیدکردن حریف، پرکاربردترین فنون رزمی این آثار است که در بیشتر صفحات منظومه‌ها وجود دارد.

## ۴.۱.۷. قهرمان اخلاق‌گرا، صلح‌طلب و موفق (قهرمان مطلوب عامه)

گاه، شاعر به‌طور مستقیم با تأکید بر عملکرد قهرمان و گاه در ضمن رفتار قهرمان و دیگر اشخاص روایت، مخاطب را به انجام کارهای نیک شخصیت‌های پسندیده و دوری از اعمال ناخوشایند افراد ناشایست تحریک می‌کند. شدت و ضعف و گستره حضور مؤلفه‌های اخلاقی میزان اخلاق‌مندی روایت و اهمیت برخی مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی زمان سراینده را نشان می‌دهد.

اخلاق مجموعه خوبی‌ها و شیوه‌های آدمی در زندگی است. مؤلفه‌های اخلاقی را به دو دسته کلی فضایل و رذایل اخلاقی می‌توان تقسیم کرد. فضایل اخلاقی آن دسته از اخلاقیاتی است که نتایج نیک برای فاعل در پی دارد و جامعه آن را ستایش می‌کند. رذایل در مقابل فضایل اخلاقی قرار می‌گیرد (صدر حاج‌سیدجوادی و همکاران، ۱۳۷۵). برتری انکارناپذیر اصول اخلاقی از وجوه اشتراک داستان‌های عامیانه است. قهرمانان در این داستان‌ها افرادی اخلاق‌مدار و صلح‌طلب‌اند که از حيله، تزویر و ریاکاری دوری می‌کنند (بهرامی، ۱۳۸۷: ۱۰۱؛ محبوب، ۱۳۹۳: ۱۱۸). اخلاق در نوع «عاشقانه رزمی» جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا رسیدن به وضعیت مطلوب نتیجه خوشایند منش و شیوه عملکرد قهرمان در این روایات است.

از این میان، فضایل اخلاقی برجسته و مشترک در شخصیت و عملکرد قهرمان، خردورزی و دانش‌اندوزی، عفت و پاکدامنی، صبر و بردباری، شجاعت، وفای به عهد، پرهیز از مردم‌آزاری و یاری‌جستن از دیگران است. این نوع روایات می‌تواند نمونه خوبی در آموزش اخلاق عشق-ورزی برای نوجوانان و جوانان باشد؛ خاصه آنکه داستان عروه و عفره و ورقه و گلشاه تا دوره قاجار کتاب تربیتی نوجوانان در مکتب‌ها و مدارس بوده و در میان مردم، مشهور و متداول

بوده است و جزء خواندنی‌های کودکان و ادبیات مکتب‌خانه‌ای به‌شمار می‌رفته است (کاشفی خوانساری، ۱۳۹۳). در افغانستان نیز بعد از آموزش قرآن به نوجوانان، خواندن این کتاب را برای آموزش اخلاق و مضامین دینی مناسب می‌دانستند (شهرستانی، ۱۳۷۴: ۱۱۳). ابراهیم ترکی، واقف نسخه‌های نامی، در یادداشت خود آورده است که «و يحفظ فی المسجد و ينقل الی المدرسه ان أحتیج الیه»<sup>۷</sup>؛ بنابراین، دلیل وقف خود را احتمال ضرورت وجود این منظومه در آن مکان می‌داند که تدریس و توجه به چنین منظومه‌ای، درحالی‌که علوم دینی در بیشتر مدارس آن عصر تدریس می‌شده، درخور تأمل است.

همه قهرمانان این نوع روایات با وجود وسوسه‌های فراوان فقط به یک معشوق می‌اندیشند. از صفات ورقه و گلشاه داشتن شرم و آزر است که پاکدامنی عاشق و معشوق را نشان می‌دهد (عیوقی، ۱۳۴۳: ۶). دیدارهای پنهانی و خلوت‌های شبانه‌های همای و گل کامکار نیز براساس عفت و پاکدامنی است (همای‌نامه، ۱۳۸۳: ۱۹). تمام تلاش همای برای رسیدن به همایون به طریق حلال است. زمانی همای با همایون ازدواج می‌کند که سروش او را به این کار تحریک می‌کند (خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰: ۴۴۳). سام نیز به‌منظور ازدواجی آیین‌مند برای فغفور شاه نامه می‌نویسد (سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۱۶۵). مثنوی جمال و جلال بر بن‌مایه‌ی تعلیمی و عرفانی استوار است؛ بااین‌حال، تلاش جلال برای رسیدن به معشوق با تحمل سختی‌های فراوان حاکی از اخلاق عشق‌ورزی است. در بدیع‌الزمان‌نامه قهرمان در طول روایت فقط یک دیدار و خلوت با قمرچهر دارد که براساس عفت و پاکدامنی و رعایت مسائل شرعی و عرفی است. قمرچهر در این دیدار خواستار کام‌جستن از بدیع‌الزمان است، اما قهرمان چنین کاری را خلاف موازین دین می‌داند (بدیع‌الزمان‌نامه، ۱۳۸۶: ۱۶۷).

#### ۴. ۱. ۸. قهرمان یزدان‌پرست

قهرمان پهلوان در داستان‌های عامیانه و حماسی به خدای یگانه اعتقاد دارد (سرامی، ۱۳۶۸: ۲۸۱؛ محجوب، ۱۳۹۳: ۱۱۸). با توجه به منبع عیوقی، که داستان عروه و عفر/ برمبنای زندگی حقیقی عروه بن‌حزام از شعرای صدر اسلام و عفر بنت عقال از اشخاص حقیقی است، عیوقی زمان قصه را به هنگام سفر پیامبر (ص) به یثرب و استوارشدن پایه‌های دین اسلام یاد می‌کند و دومین بستر روایت،<sup>۸</sup> که ساخته‌ی عیوقی است، به معجزه پیامبر و گرویدن عده‌ای جهود به اسلام ختم می‌شود. در ضمن روایت، آن هنگام که ورقه و گلشاه می‌میرند، بزرگان

شام به آنان لقب شهید می‌دهند و در سراسر روایت، تقدیرگرایی ورقه و اعتقاد به بیهوده‌بودن دنیا مشهود است (عیوقی، ۱۳۴۳: ۱۱۸). سرایندهٔ *همای‌نامه* به‌طورمستقیم از مقولهٔ مذهب در روایت بهره‌ای نبرده است، اما برخی تفکرات عقیدتی در کنش‌های روایت مشهود است و در تمام نبردها به خداپرستی و یزدان‌شناسی قهرمان اشاره شده است (*همای‌نامه*، ۱۳۸۳: ۳۸، ۶۳، ۱۰۱ و ...). در روایت *همای* و *همایون* مستقیماً از مذهب و رویکردهای مذهبی اشخاص داستان، به‌خصوص قهرمان، یاد نمی‌شود، اما یزدان‌پرستی قهرمان مشهود است (خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰: ۲۹۷، ۳۲۸، ۳۸۷ و ۳۹۴). بخش متمایز *سام‌نامه* از منظومهٔ *خواجو* بیشتر متأثر از عناصر مذهبی است؛ به‌طوری‌که سام به شخصیت‌های مذهبی نزدیک می‌شود و یزدان‌پرستی او در سراسر منظومه آشکار است. در *مثنوی جمال و جلال* به‌سبب تسلط تفکر عرفانی بر سراسر منظومه معشوق یا جمال نمودی از یزدان است که جلال برای رسیدن به او تلاش می‌کند؛ پس به نوعی بر یزدان‌پرستی قهرمان تأکید دارد. سرایندهٔ *بدیع‌الزمان‌نامه* بارها به‌طور مستقیم از نگرش‌ها و رویکردهای مذهبی قهرمان در طول روایت یاد می‌کند و یزدان‌پرستی او مشهود است.

#### ۹.۱.۴. قهرمان عیار و جوانمرد

آیین جوان‌مردی به‌شکل اجتماعی با روزگار پیدایش تصوف قرین است و جوان‌مردانی که دربارهٔ زندگانی آنان چیزی می‌دانیم، اغلب یا صوفی بوده‌اند یا به صوفیگری تمایل داشته‌اند (هجویری، ۱۳۷۵: ۱۸۳). حضور جدی و آشکار فتیان یا عیاران از آغاز قرن چهارم بوده و اصول جوان‌مردی در قرن پنجم براساس *قابوس‌نامه* بر سه پایهٔ «عمل به گفتار»، «راستی» و «شکیبایی» نهاده شده است (عنصرالمعالی، ۱۳۵۲: ۲۴۶). قوت شاخه‌ای از یکتا‌پرستی است، به این سبب فتی به‌سوی خدا حرکت می‌کند و اعمالش خداپسندانه است. از دیگر ویژگی‌های مهم فتیان وفای به عهد، کتمان اسرار، تکریم و رعایت حشمت، سعهٔ صدر، عزت، غیرت، نرمی و مرحمت با عامه و درشتی با گردن‌کشان، تحمل، رغبت، معاشرت با مردم، رفتار کریمانه و حسن‌ظن است (کاشی، ۱۳۵۱: ۶۰-۶۴؛ کاظمینی، ۱۳۴۵: ۲۰۲). بیشتر صفات یادشده در قهرمانان پیکره‌های متنی وجود دارد. شخصیت قهرمان، علاوه‌بر عهدهایی که با دیگر اشخاص داستان می‌بندد، به پیمان عشق خود نیز وفادار است. یزدان‌پرستی از صفات

بارز او است و در تمام نبردها از خداوند یاری می‌طلبد. در مسیر پرفراز و نشیب عشق تا وصال شکبیا است و سختی‌ها را تحمل می‌کند. معمولاً، این شخصیت آغازکننده نبرد نیست و با مخالفان در صورت امکان از در صلح وارد می‌شود. قهرمان به بزرگانو غیرت دارد و به‌خاطر او در مقابل ضدقهرمان می‌ایستد. از نمودهای کتمان سر، اصرار قهرمان در پنهان کردن هویت خویش از حریفان است. قهرمانان حرمت خواسته پدران خود را نگه می‌دارند و حشمت و بزرگی آنان را رعایت می‌کنند.

از برجسته‌ترین صفات جوان‌مردان، کمک به دیگران تا مرتبهٔ ایثار و از خودگذشتگی است. در منظومهٔ عیوقی، مانند پیشینهٔ عربی‌اش، پس از ازدواج شاه شام با گلشاه، حتی با وجود اصرار شاه شام، ورقه حاضر نمی‌شود که گلشاه از شاه شام جدا شود تا خود به وصال او برسد، بلکه در غم فراق یار می‌میرد (عیوقی، ۱۳۴۳: ۱۰۵). از قرن هفتم تا نهم، که اولاد چنگیز و تیمور بر ایران تسلط داشتند، عیارپیشگی همچون دورهٔ تسلط اعراب رونق داشت. در این دوره، عیاری در میان پهلوانان عمومیت یافت و نام بسیاری از ایشان در تذکره‌ها و تاریخ‌ها آمده است (کاظمین، ۱۳۴۵: ۱۳). در روایت *همای‌نامه*، همای به ساربان شترگم کرده و بازرگان مال‌باخته کمک می‌کند (*همای‌نامه*، ۱۳۸۳: ۶، ۱۸ و ۱۱۴). در مثنوی *همای* و *همایون* از کارهای جوان‌مردانهٔ همای نجات پری‌زاد و رساندن او به بارگاه فغفور چین است (خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰: ۳۳۴). همایون در پی درخواست خاوریان برای پذیرفتن پادشاهی خاور، مدتی را در آن سرزمین در فراق یار می‌گذراند و در پایان روایت، با وجود جنگی که میان او و فغفور چین برپا می‌شود، پادشاهی آن سرزمین را به پری‌زاد، دختر خاقان چین، و فرینوش، همسر او، می‌سپارد و همین اعمال برای سام نمود می‌یابد.

فتوت جزء طریقت است و «در عرف عام انتساب شخص به صفت حمیده و اخلاق پسندیده را گویند، بر وجهی که بدان از ابناء جنس خویش ممتاز گردد و در تعریف خواص، ظهور نور فطرت انسانی و استیلای آن بر ظلمت صفات نفسانی است تا فضایل اخلاق ملکه گردد و رذایل به کلی از بین رود» (کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۹). داستان *جمال و جلال*، که از نمونه‌های گذار از عاشقانهٔ رزمی به نوع عرفانی است، تعریف خواص را نمود می‌بخشد. قهرمان پس از گذراندن مسیر دشوار عشق و طی طریق به کمال می‌رسد و به حقایق دست می‌یابد. فیلسوف از اشخاص

محوری داستان جمال و جلال است که یاری‌کنندهٔ اصلی قهرمان در طول روایت و عیاری شبرو و قتال است (نزل آبادی، ۱۳۸۲: ۳۷). در نخستین بیت، فیلسوف با عبارت «شاطر عیار» شناخته می‌شود. در گذشته‌های دور، شاطران بعد از عیاران نقش پراهمیتی در لحظات بحرانی جنگ‌ها به‌منظور رساندن نامه‌های مهم نظامی داشتند (کازمینی، ۱۳۴۳: ۱۸۵). چنان‌که از مفهوم ابیات<sup>۹</sup> دریافت می‌شود، «شاطری» در همان معنای کهن آن «نام‌رسان نیرومند» به‌کار رفته است. چنان‌که پیشتر اشاره شد، از صفات فتیان تسلط و چیرگی بر نفس است و با توجه به اینکه از دیو در قصص به‌معنای نموده‌های نفسانی یاد می‌شود، گاهی عیار در این داستان از بین‌برندهٔ دیوهاست (نزل آبادی، ۱۳۸۲: ۷۲). جلال نیز، همچون جوان‌مردان، دلشاد (از پریان کوه قاف) را که اسیر صغال دیو است، نجات می‌دهد (همان، ۹۰).

جوان‌مردی و عیاری بیش‌از‌همه در منظومهٔ *بدیع‌الزمان‌نامه* جایگاه خاصی دارد. مهتر نسیم عیار یکی از اشخاص مهم در روایت *بدیع‌الزمان‌نامه* و از عیاران معروف عامه است. «مهتر» لقب متأخر عیاران است که از ابتدا تا ازدواج قهرمان در کنار او در همهٔ رویدادها حضور دارد و از ندیمان صمیمی قهرمان است. اعمال حیرت‌انگیز و دلاوری‌های مهتر نسیم عیار، با آن تفصیل و اهمیتی که در *اسکندرنامهٔ نقلی* منوچهرخان حکیم آمده، نمودار شهرت داستان این شخصیت افسانه‌ای در میان مردم است. او در این کتاب، روشنی چشم اسکندر اسلام‌گستر و حامی سپاه او و همهٔ ایرانیان توصیف شده است. او بارها اسکندر و ارسطو را از مرگ و زندان خلاصی می‌دهد. دل‌انگیزترین داستان‌های اسکندر به مهتر نسیم عیار اختصاص دارد و بیش از همهٔ قهرمانان کتاب، از خود شجاعت و درایت و کارآمدی نشان می‌دهد (منوچهرخان حکیم، ۱۳۸۸: ۲۹۹). محبوبیت و جذابیت شخصیت نسیم عیار در *اسکندرنامهٔ نقلی* به‌حدی بوده که نام قهرمان اصلی آن، نسیم عیار، در دیگر داستان‌ها، مانند مهر و ماه و *شیرویه‌نامه* نام‌دار تکرار می‌شود. معمولاً، کار جاسوسی و شب‌روی برعهدهٔ عیاران و میدان‌داری برعهدهٔ جنگاوران است (محبوب، ۱۳۹۳: ۶۷-۹۶۶). از صفات عیاران پنهان‌کاری، پوشیده‌رفتن، غافلگیر کردن دشمن و وارد شدن از راه‌های پنهانی و فعالیت‌هایی غیر از پهلوانی و جنگاوری است (همان، ۹۷۰) و از ابزارهای آنان استفاده از داروی بی‌هوشی است (همان، ۹۵۶) که عیاران منظومهٔ *بدیع‌الزمان‌نامه* نیز از این صفات و ابزار بهره‌مندند و جایگاه برجستهٔ

عیاران در این مثنوی به اوج رسیده است (بدیع/زمان‌نامه، ۱۳۸۶: ۸۰). براساس قابوس‌نامه، گروهی از جوان‌مردان هستند که جوان‌مردی آنان بیش از دیگر عیاران است و این گروه در دین متعصباند (عنصرالمعالی، ۱۳۵۲: ۲۴۹)؛ چنان‌که از ویژگی‌های بارز مثنوی مزبور گسترش مذهب است (بدیع/زمان‌نامه، ۱۳۸۶: ۵۸، ۶۳، ۶۶، ۶۸ و...).

#### ۴. ۲. ویژگی‌های متمایز در شخصیت‌پردازی قهرمان

##### ۴. ۲. ۱. میزان واقع‌نمایی شخصیت قهرمان

داستان ماجرای برساخته و حدفاصل تاریخ و تخیل ناب است که به‌نسبت فاصله آن از این‌دو، درجات مختلفی از حقیقت را بازمی‌نماید؛ بنابراین، داستان نه تاریخ محض و نه تخیل محض است و همیشه درصدی از واقعیت را در خود دارد (اسکولز، ۱۳۸۷: ۱۲-۳). میزان واقع‌نمایی اشخاص به‌خصوص قهرمان داستان در شخصیت‌پردازی از عوامل حقیقت‌نمایی یا تخیل‌گرایی روایت است که یکی دیگر از شاخص‌های معرف نوع آثار را آشکار می‌کند.

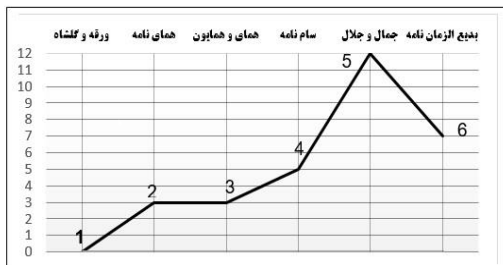
براساس نظریه‌های شخصیت‌پردازی در داستان از پنج نوع قهرمان یاد می‌شود: (۱) قهرمان از نوعی برتر از دیگر انسان‌ها و محیط است (از ایزدان)؛ (۲) قهرمان در مرتبه‌ای برتر از دیگر انسان‌ها و محیط است؛ (۳) قهرمان در مرتبه‌ای برتر از دیگر انسان‌هاست، ولی از محیط طبیعی خویش برتر نیست؛ (۴) قهرمان بر دیگر انسان‌ها و محیط برتری ندارد (انسان معمولی)؛ (۵) قهرمان از دیگر انسان‌ها فروتر است (فرای، ۱۳۷۷: ۴۸). در روایات منتخب این پژوهش، از قهرمان به‌منزله انسانی یاد می‌شود که در ضمن رویدادها فریب می‌خورد، اسیر می‌شود، گاه سر به بیابان می‌نهد و در مقابل حریفان شکست می‌خورد. قهرمان در روایت عیوقی متأثر از روایتی با پیشینه حقیقی،<sup>۱۰</sup> بالاترین درجه حقیقت‌نمایی را در میان روایات عاشقانه رزمی دارد. همان‌طور که هیچ شخصیتی در کتاب، حتی در یک متن تاریخی یک شخص واقعی نیست (اسکولز، ۱۳۸۷: ۱۹)، اشخاص ساخته ذهن آفریننده یا آفرینندگان در متون روایی نیز، ممکن است متأثر از واقعیت باشند؛ به‌طوری‌که قهرمان عیوقی نمودی از عروه، شخص حقیقی در تاریخ عرب، است، اما نه نمودی کامل و بدون افزوده و تغییر. شخصیت اصلی روایات در ابتدای ورود به داستان از صفات ظاهری و رفتاری ملموس و واقعی برخوردار است. قهرمان جوانی شجاع و دلاور است، به‌اقتضای سن عاشق می‌شود، قصد تشکیل خانواده دارد و در کارها با بزرگان مشورت می‌کند، ولی در ادامه روایت برخی کنش‌های غیرواقعی از او

دیده می‌شود؛ چنان‌که در یمن سر دو شاه را برای عموی خود می‌برد (عیوقی، ۱۳۴۳: ۶۴) و در نبرد یک‌تنه چهل دزد را نابود می‌کند (همان، ۸۹)، اما گاه در نبردی تن‌به‌تن در مانده می‌شود و گلشاه به کمک او می‌آید. پرداخت مبالغه‌آمیز شخصیت قهرمان از ملزومات داستان‌های قهرمان‌محور است، به سبب علاقهٔ مخاطب به شگفت‌زدگی و پیروزی قهرمان بر دشمنان؛ چراکه در نظر مخاطب، چنین کنش‌هایی ممیز میان قهرمان و دیگر افراد عادی در روایت و از ویژگی‌های بارز قصه است.

در روایات پسین، نبرد قهرمان با اشخاص خارق‌العاده بر روایت افزوده می‌شود؛ به طوری که همای، به یاری خداوند، زنگی، زن جادو، ببر، دد و شیر سیاه را می‌کشد، اما در نبرد با حریف زن (دختر عراقی) مجروح می‌شود و در آستانهٔ مرگ است که بزرگ‌بانو او را یاری می‌کند. همای در منظومهٔ خواجو و سام در *سام‌نامه* با دو شخص خارق‌العاده، یعنی سمندون زنگی و زند جادو، مواجه می‌شود. توصیف شخصیت سمندون دقیق نیست و از صفات نامتعارف به دور است. قهرمان به یاری خداوند زند جادو و حریفان قدرتمند را شکست می‌دهد. با وجود این، گاه اسیر و مجنون می‌شود و گاه شکست می‌خورد. میزان خارق‌العادگی به سبب بن‌مایهٔ عرفانی در داستان *جمال* و *جلال* نمود بیشتری دارد. در این روایت باز هم جلال شخصیتی ملموس با ویژگی‌های انسانی دارد که گاه در جنگ ناتوان است، گاه اسیر می‌شود و زمانی در مبارزه شکست می‌خورد و تنها یاری‌کننده و نجات‌دهندهٔ او در این وضعیت، جمال است که نمود زمینی قدرتی الهی است. از صفات خارق‌عادت قهرمان توانایی او در سخن گفتن با گل‌ها و آلات موسیقی است که بیشتر یادآور شخصیت پیامبرانی مانند حضرت سلیمان<sup>(ع)</sup> است که تحت تأثیر دورهٔ گذار از آثار عاشقانهٔ رزمی به متون نمادین عرفانی است. بدیع‌الزمان نیز با قدرت ایمان و یاری گرفتن از خداوند و باورهای دینی، دیو، شهناز جادو، و دیو فیل‌سوار را می‌کشد و مرجان زنگی را مطیع خود می‌کند، اما او نیز چون دیگر قهرمانان با فریب اسیر می‌شود؛ بنابراین، قهرمان روایات پسین بیشتر در نوع دوم تقسیم‌بندی فوق قرار می‌گیرد. تفاوتی که در این روایات با دیگر قصص افسانه‌ای-تخیلی مشاهده می‌شود، تلاش راویان برای باورپذیرکردن رویدادهای غیرممکن با استفاده از باورهای دینی و اعتقادی مخاطب است؛ به طوری که ویژگی مشترک و محوری قهرمانان در این روایات این است که قهرمان بندهٔ شایستهٔ

درگاه حق و منظور نظر او است که خداوند خواسته‌اش را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. راویان نتایج رویدادهای خارق‌العاده را به یاری خداوند، که نیرویی مافوق بشری است و هر کاری از او ساخته است، نسبت می‌دهند و به‌این‌شیوه تمام رفتار قهرمانان در نظر عامه صورت واقعی دارد. بدین‌ترتیب، قهرمان این روایات بر مبنای نظر فرای در مرتبه‌ای برتر از دیگر انسان‌هاست؛ نیز، با توجه به اهمیت عنصر مذهب در آثار پیش‌گفته، که تحت تأثیر فضای ایرانی-اسلامی دوره یادشده است، شاید بتوان تقسیمی از انواع قهرمان به‌صورت خدا، پیامبر، اولیاءالله، رهبر و مردم عام ارائه داد. در این نوع روایات قهرمان اصلی از دسته اولیاءالله با درجه کرامات متفاوت است؛ به‌طوری‌که پرداخت شخصیت قهرمان به‌خصوص در روایت *جمال و جلال* و *بدیع‌الزمان‌نامه*، نمودی از اولیاءاللهی است که با وجود آنکه از میان مردم برخاسته‌اند و گاه مغلوب شرایط می‌شوند، اما کرامت و ارتباط تنگاتنگ با خداوند دارند؛ البته، به‌غیر از روایت عیوقی که به‌سبب واقع‌نمایی زیاد، قهرمان به صفات رهبر نزدیک می‌شود.

۵. (بواجهه و نبرد با پری، زنگی، دیو، اژدها، بواجهه با سحر، باطل‌الاسحر، پرتند سحنگو، جادوگر، گیاهان سحنگو، بت سحنگو، وسیله سحرآمیز، آلات موسیقی سحنگو)  
 ۶. (سکستن طلسم، نبرد با زنگی، اژدها، جادوگر، بواجه شدن با نهنگ، دیواسب دریایی)  
 ۴. نبرد با پری، دیو، اژدها، جادوگر، طلسم)  
 ۲ و ۳. (نبرد با زنگی، دیو، اژدها) / پری، زنگی، جادوگر)



نمودار ۱. میزان حضور عناصر غیرواقعی در روایات

Chart 1: The presence of unreal elements in the narrations

بدین‌ترتیب، قهرمان در نوع «عاشقانه رزمی» در ابتدا بسیار منطبق با واقعیت است و کم‌کم از واقعیت دور می‌شود؛ چنان‌که اگر *جمال* از منظومه *جمال و جلال* را به‌عنوان اثری در جریان تحول این نوع از این نمودار خارج کنیم، قهرمانان دیگر آثار سیری صعودی و آرام به‌سوی غیرواقعی‌نمایی دارند.



## ۴.۲.۴. میزان اثرپذیری سرایندگان از سنت نقل در شخصیت‌پردازی قهرمان

معمولاً، اثرپذیری یک روایت از سنت نقل و آثار پیشین دو صورت دارد: یکی آنکه نویسنده یا شاعر به‌گفته صریح خود براساس متنی کهن یا مشهور نزد عموم، اثری جدید بیافریند؛ دیگر آنکه ویژگی‌های زبانی و محتوایی متن یادآور داستان‌های کهن و حاکی از توجه نویسنده یا شاعر به آن حکایات در فرآیند آفرینش اثر باشد.

به‌گفته صریح عیوقی، روایت ورقه و گلشاه حکایتی جدید از روایت جریر (عیوقی، ۱۳۴۳: ۵) برمبنای عشقی حقیقی میان عروه‌بن‌الحزام العذری، از شعرای صدر اسلام، و عفرا بنت عقال (هر دو متوفی به ۲۸ هـ.ق) است که به‌صورت قصه‌ای عامیانه بر سر زبان‌ها بوده (آتش، ۱۳۳۳: ۱۲) و به داستان زندگی مرقش اکبر (ابوالفرج اصفهانی، ۲۰۰۲م) در عصر جاهلی نیز شبیه است (ابراهیم، ۱۹۷۲: ۳۷۱)؛ بنابراین، عیوقی در پرداخت شخصیت ورقه از قصه‌های عامیانه شفاهی و مکتوب ادب عرب اثر پذیرفته است. *شاهنامه* فردوسی مشهورترین اثر دوره سرایش ورقه و گلشاه است. وزن منظومه، زبان حماسی عیوقی، پهلوانی‌های قهرمان و توصیف دقیق میدان رزم، که در نسخه عربی روایت وجود ندارد، داستان‌های *شاهنامه* را به یاد می‌آورد؛ خاصه آنکه وصف رویداد «جنگ‌کردن پسر ربیع با گلشاه» با داستان «گردآفرید و سهراب» قابل مقایسه است (عیوقی، ۱۳۴۳: ۴۰).

علاوه‌براینکه وزن منظومه *همای‌نامه* همان وزن *شاهنامه*، یعنی بحر متقارب، است و وجود ابیاتی ذیل سرآغاز «گفتار اندر ستایش خرد» و تکرار عنوان «گفتار اندر...» در شروع سخن، شیوه مقدمه *شاهنامه* را به یاد می‌آورد، گاه توصیف نبرد قهرمان در منظومه *همای‌نامه* شبیه به توصیف‌های فردوسی است و سراینده، در موارد متعدد، از طرف دوم تشبیه‌های *شاهنامه* در تشبیه‌های خود استفاده می‌کند (همان، ۴، ۷۳، ۳۴، ۱۲۳، ۱۲۴)؛ به‌طوری که شاعر در تشبیه دلآوری قهرمان، او را به پهلوانان مشهور *شاهنامه* شبیه می‌کند و نبرد قهرمان را همچون نبرد رستم در «داستان نبرد رستم و اکوان دیو» می‌داند (همان، ۱۰۷ و ۱۱۸) که حاکی از تقلید شاعر از سنت حماسه‌سرایی *شاهنامه* در پرداخت شخصیت قهرمان و اعمال او است.

داستان‌های سام در ادب فارسی مشهور است و در منابع کهن به آن داستان‌ها اشاره شده، چنان‌که در کتابی نوشته ابوالمؤید بلخی از اخبار سام یاد شده است (مجم‌التواریخ و القصص، ۱۳۷۹: ۲) و یکی از این داستان‌ها به *شاهنامه* تعلق دارد. مول معتقد است که اصل *سام‌نامه*

از افسانه‌های کهن دوران ساسانیان است (مول، ۱۳۶۹: ۴۰). در این منظومه، برخی رویدادها و پردازش شخصیت قهرمان تقلیدی از شاهنامه است (رویانی، ۱۳۹۰). سام در این داستان، مانند داستان گرشاسپ‌نامه، فرزند دختر شاه بلخ و پهلوانی دل‌آور و مورد توجه شاهان و بزرگان است (اسدی‌طوسی، ۱۳۸۶: ۳۷۸). وجود رویدادهایی مانند نبرد سام با عوج و شداد حاکی از تأثیرپذیری منظومه از روایت‌ها و داستان‌های سامی است. داستان سام و پری‌دخت نیز از داستان‌های معمول در طومارهای نقلی، مانند طومار هفت‌شکر از آثار مهم عامیانه در دوره قاجار است؛ چراکه سام و داستان‌هایش در ادبیات عامیانه فارسی جایگاه ویژه‌ای دارد. میزان اثرپذیری راوی یا راویان سام‌نامه از آثار کهن و پیشین با وجود منظومه تغییر یافته‌های و همایون خواجوی کرمانی به‌عنوان بخش مهم این مثنوی انکارناپذیر است.

وزن منظومه‌های و همایون و کیفیت آغاز داستان تأثیرپذیری خواجو را از فردوسی نشان می‌دهد (خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰: ۴۰۵). بیشترین توجه خواجو به شاهنامه به‌سبب تشبیه اشخاص روایت از جمله قهرمان به شخصیت‌های شاهنامه است (همان، ۴۲۷). نمونه‌ای از تصاویر شاهنامه در منظومه خواجو، جنگاوری همایون در نبرد تن‌به‌تن با همای است که صحنه رزم گردآفرید و سهراب را تداعی می‌کند (همان، ۳۸۷).

نزل‌آبادی در وصف شخصیت قهرمان، از اشخاص شاهنامه بسیار نام می‌برد (نزل‌آبادی، ۱۳۸۲: ۲، ۳۵، ۱۰۶، ۱۱۷، ۲۱۰، ۲۱۲، ۴۵۱، ۴۹۹، ۷۶۰، ۸۵۲، ...).

دو رویداد روایت بدیع‌الزمان‌نامه تقلیدی از وقایع مشهور شاهنامه است؛ هنگامی که بهزادخان از ورود قهرمان به قلمرو حکومتش باخبر می‌شود، یکی از یاران را مأمور آوردن بدیع‌الزمان می‌کند؛ زمانی که آن فرستاده از نام و نشان قهرمان می‌پرسد، بدیع‌الزمان پاسخ نمی‌دهد، فرستاده او را تهدید می‌کند و از بدیع‌الزمان می‌خواهد که به فرمان بهزادخان به نزد او بیاید، قهرمان خود را کم‌شنوا نشان می‌دهد، فرستاده به او نزدیک می‌شود تا سخن خود را در گوش او بگوید، آنگاه بدیع‌الزمان دو گوش او را می‌کند و آن فرد به نزد بهزادخان برمی‌گردد (بدیع‌الزمان‌نامه، ۱۳۸۶: ۵۴-۵۵). این واقعه بازآفرینی حکایت رستم با اولاد است. دیگر رویداد، رزم قمرچهر با بدیع‌الزمان است که به‌تمامی تصویر نبرد گردآفرید با سهراب را تداعی می‌کند (همان، ۱۴۳).

شخصیت اسکندر برای سرایندهٔ *بديع‌الزمان‌نامه* از چنان جدایی‌ی برخوردار است که نه تنها در بخشی از روایت به‌عنوان یکی از اشخاص جریان‌ساز ظاهر می‌شود، که بسیاری از صفات قهرمان متأثر از این شخصیت است؛ به‌طوری‌که *بديع‌الزمان*، مانند اسکندر در روایت پیش‌گفته، مسلمان متعصبی است که کافران را پس از پیروزی در نبرد به دین اسلام فرامی‌خواند و در صورت نپذیرفتن او، مانند تیمور، بر دارش می‌کشد. در این مسیر، گاه اسیر می‌شود و دشمنان بسیاری مسلمان می‌شوند و با او همراه می‌شوند. اخلاق دینی و انسانی از *بديع‌الزمان* یک قهرمان پهلوان ساخته است. در *اسکندرنامه* اسرار بیابان به‌وسیلهٔ سروش غیبی بر اسکندر گشوده می‌شود؛ همان‌گونه که *بديع‌الزمان* ضمن یک خواب از اسرار گشودن طلسم آگاه می‌شود.<sup>۱۱</sup> نیز، *بديع‌الزمان* همچون اسکندر با مرجانۀ جادو نبرد می‌کند (*بديع‌الزمان‌نامه*، ۱۳۸۶: ۸۰؛ روایت *اسکندرنامه نقالی*، مانند مهتر نسیم عیار در این روایت اشاره شد).

دلیل انتخاب نام *بديع‌الزمان* مشخص نیست، اما در کتاب *قصهٔ حمزه*، نام یکی از فرزندان حمزه *بديع‌الزمان* است. این داستان، که از داستان‌های پهلوانی-مذهبی است، با نام‌های رموز *حمزه و حمزه‌نامه* نیز معروف است. این قصه در وصف شجاعت‌ها و جنگ‌های حمزه، عمومی پیامبر(ص)، به‌دستور حمزه‌بن‌عبدالله خارجی (متوفی ۲۱۳هـ.ق) حاکم نواحی شرقی ایران فراهم آمده است (شعار، ۱۳۴۳: مقدمه) و در همهٔ سرزمین‌های اسلامی شهرت دارد. *بديع‌الزمان* در این کتاب پسر حمزه است که پریان او را بزرگ می‌کنند و پسری جنگاور و پهلوان است. عنوان سه داستان از داستان‌های این اثر با نام او همراه است.<sup>۱۲</sup> او با حمایت پریان در کوه قاف بزرگ می‌شود. هنوز ده‌سال بیش ندارد که در تمام هنرها سرآمد است و با دیوان می‌جنگد تا اینکه در اولین دیدار با پدر نبرد تن‌به‌تن می‌کند و شکست می‌خورد؛ سپس، هویتش بر پدر آشکار می‌شود و در نبردهای گوناگون برای کمک به گسترش دین اسلام شرکت می‌کند (همان، ۱۳۴۷، ج ۲). *بديع‌الزمان* شباهت‌هایی با این شخصیت در کتاب *قصهٔ حمزه* دارد. در وصف *بديع‌الزمان*، فرزند حمزه، آمده است:

گویی به زمین ستاره آمد یوسف به جهان دوباره آمد  
(همان، ۴۲۲)

بدیع‌الزمان در قصه حمزه برای مدتی گم می‌شود. از پایان روایت اخیر نیز چنین برمی‌آید که قهرمان، بدون اطلاع خانواده، سفرش را به چین آغاز می‌کند؛ به طوری که خانواده‌اش او را مرده می‌پندارند و سیاه بر تن می‌کنند. فرزند حمزه، مانند قهرمان روایت متأخر، از پهلوانان مبارزه با دیوان و جادوان است که به تمام فنون جنگ مسلط و در گشتی بسیار ماهر است (شعار، ۱۳۴۷/۲: ۲۵-۴۲۲ و ۵۰۴). نام خداوند ذکر پرتکرار پسر حمزه در جنگ با دشمنان و به هنگام نابود کردن آنها است که در بدیع‌الزمان‌نامه نیز چنین است. از اهداف بدیع‌الزمان در هر دو روایت، گسترش دین اسلام و مسلمان کردن حریفان است (۴۴۰-۴۲). قصه حمزه در قهوه‌خانه‌ها نیز گفته می‌شده است و در میان عامه مردم طرفداران بسیاری داشته است (پلوسکی، ۱۳۶۴: ۹۴-۱۲۱). بعدها، شاعری این قصه را به نظم درآورده و آن را صاحب‌قران‌نامه نامیده است (محبوب، ۱۳۹۳: ۱۲۴۵). قهرمان در منظومه بدیع‌الزمان‌نامه بارها با عنوان صاحب‌قران یاد می‌شود که این امر شاید حاکی از آشنایی سراینده با تحریرهای دیگر این اثر باشد.

#### ۴.۲.۳. تأثیر برون‌متن در پرداخت شخصیت قهرمان

روایت‌ها ابزاری برای ارتباط آگاهانه هستند و نیت‌های ارتباطی سازندگانشان را نشان می‌دهند (کوری، ۱۳۹۱: ۱۷). شاعر از سرودن یک منظومه هدف یا اهدافی دارد که می‌تواند شخصی یا محیطی باشد. اهداف شخصی از احوال درونی شاعر هنگام سرایش منشأ می‌گیرد و اهداف محیطی تحت تأثیر جریان‌های ادبی، وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دوره سرایش به‌وجود می‌آید. هر دو هدف ممکن است در پرداخت شخصیت قهرمان اثرگذار باشد.

از دلایل مستقیم عیوقی برای سرودن منظومه ورقه و گلشاه، «نظم سرگذشتی شگفت از اخبار تازی» است (عیوقی، ۱۳۴۳: ۵). روایت ورقه و گلشاه برگرفته از روایت جریر از داستان عروه و عفر/۱۳ است. اصل داستان سروده جریر موجود نیست، اما با مقایسه داستان ورقه و گلشاه با روایات باقی‌مانده از داستان عروه و عفر/۱۴ می‌توان تغییرات و افزوده‌های عیوقی را در پرداخت شخصیت قهرمان (ورقه) نشان داد که متأثر از فرهنگ ایرانی و نوع ادبی حاکم بر زمان سرایش (حماسه) است.

دیگر هدف سراینده، نقل تجارب شخصی است؛ زیرا عیوقی در ابیاتی از ناکامی خود در عشق و ناجوان‌مردی نزدیکان سخن گفته و وعده داده است که اگر عمری باقی باشد، سرگذشت خود را خواهد گفت (همان، ۱۱۶). با نظر به ابیات «شکوه شاعر» آشکارا تأثیر این

تجربه بر احساسات و افکار شاعر ملاحظه می‌شود و چه‌بسا که تجربه تلخ شاعر در انتخاب و پرداخت این داستان تأثیرگذار بوده است. همین دو هدف می‌تواند از دلایل وجود برخی صفات در قهرمان باشد. در بستر نخست روایت، قهرمان ناکام می‌میرد که این در روایت عربی *عروه و عفرا* نیز مشهود است، اما در بستر دوم، قهرمان زنده می‌شود و با معشوق ازدواج می‌کند که می‌تواند نتیجه شکست عشقی شاعر و آرزوی او برای وصال با معشوق باشد.

جدول ۱. تفاوت‌های روایت عیوقی با روایت عربی در شخصیت‌پردازی ورقه

Table1: Distinctions Ayyughi's narration with Arabic narration in vargheh characterization

عناصر تغییر یافته
<ul style="list-style-type: none"> <li>• تغییر اسم قهرمان از عربی به فارسی (عروه به ورقه)</li> <li>• عروه در کودکی یتیم می‌شود و عموی وی او را بزرگ می‌کند، درحالی‌که پدر ورقه در جنگ با ربیع کشته می‌شود.</li> <li>• عروه از هند، عمه خود، می‌خواهد که عفرا را از پدرش خواستگاری کند؛ درحالی‌که در روایت عیوقی، عشق دیرینه میان ورقه و گلشاه وجود دارد.</li> <li>• عروه برای کسب ثروت به نزد پسر عموی خود در ری می‌رود؛ ورقه به نزد عموی خود منزه، شاه یمن، سفر می‌کند.</li> <li>• عروه از کودکی در فقر به سر می‌برد؛ درحالی‌که ورقه، پسر یکی از رؤسای قبیله است. ورقه برخلاف عروه علاوه بر عاشق بودن، جنگاور و شجاع است.</li> <li>• برخورد عروه با طیب سحر برای درمان خیال‌پردازی و غش است، اما برخورد ورقه با طیب خردمند جهت پرسش و پاسخ درباره عشق است.</li> </ul>
عناصر افزوده
<ul style="list-style-type: none"> <li>• ذکر پهلوانی ورقه؛ مانند سه بار جنگیدن ورقه به خاطر گلشاه با قبیله بنی‌ضبه، با شاه عدن و بحرین، با دزدان، جنگ‌های تن به تن، شبیخون، وصف نبرد، رجزخوانی، چاره‌اندیشی‌های جنگی، کشتن، اسارت و مجروح شدن.</li> <li>• ذکر عنوان «شهید» به ورقه و تأکید بر اهمیت عشق پاک (عیوقی، ۱۳۴۳: ۱۱۸).</li> </ul>

از جریان‌های ادبی قرن‌های ششم و هفتم (دوره سرایش *همای‌نامه*) رواج داستان‌پردازی است. در این دوره، کتاب‌های داستانی متعددی به فارسی دری ترجمه، تحریر یا تدوین شده که از نمونه‌های آن *همای‌نامه* است (براون، ۱۳۶۸: ۲۷۸).

منظومه‌سرایی در ادامه دوره مزبور در قرن هشتم رواج داشته و نظم داستان‌های عاشقانه و پدیدآوردن مجموعه‌ای از مثنوی‌ها به‌تقلید از منظومه‌سرایان پیشین، مانند نظامی، مورد

توجه و علاقه شاعران بوده است (صفا، ۱۳۶۳/۳، ب ۱: ۳۰۶). از این دسته می‌توان به *سامنامه* و تقلیدهای آشکار خواجه کرمانی اشاره کرد. بخش متمایز *سامنامه* از منظومه خواجه بیشتر متأثر از عناصر مذهبی است که می‌تواند تحت تأثیر دوره سرایش این منظومه باشد. اعتقاد راسخ سام به یکتایی خداوند، یاری‌جستن از خداوند در مقابل سختی‌ها، یادکردن از خداوند در هر حال، تبلیغ دین، بت‌پرستی مخالفان قهرمان، شیرپرستی عالم‌افروز پری، شیطان‌پرستی نیمه‌تنان، اشارات قرآنی و اسلامی و تلمیح به داستان پیامبران از نمودهای بارز بن‌مایه مذهب در روایت *سامنامه* است. برجسته‌ترین دشمن سام، شداد است که ادعای خدایی دارد؛ مانند ادعای خدایی فرزند عاد در روایات اسلامی که سبب نابودی او شد. دیگر می‌توان به نبرد سام با عوج‌بن‌عنق اشاره کرد که از اشخاص مهم در تاریخ و مذهب است که به‌دست موسی<sup>(ع)</sup> کشته شد (مجم‌التواریخ و‌القصص، ۱۳۷۹: ۱۰۵ و ۲۰۳).

نگرش نزل‌آبادی در مثنوی *جمال* و *جلال* به ناپایداری دنیا و حالت‌های درونی او هدف اصلی از سرایش منظومه است (نزل‌آبادی، ۱۳۸۲: ۱۸۷ و ۱۸۹). این امر از عوامل مؤثر در خلق قهرمانی با ویژگی‌های سالک در طریقت است؛ همان عاملی که به اثر قابلیت مطالعه‌شدن در ادبیات عرفانی می‌بخشد. علاوه‌براین، از جریان‌های ادبی گسترده قرن نهم رواج داستان‌پردازی رمزی و عرفانی است که همین عامل می‌تواند سبب پدیدآمدن مثنوی *جمال* و *جلال* و خلق قهرمانی با مشخصات *جلال* باشد.

عنصر مذهب و نشانه‌های آن از عناصر مهم و گسترده در منظومه‌های عاشقانه رمزی است، به‌طوری‌که از همان اولین منظومه، *ورقه و گلشاه*، شخصیت‌های مقابل یا همراه قهرمان، اشخاص دینی و مذهبی هستند که تعداد این افراد در منظومه *بدیع‌الزمان‌نامه* که سروده قرن دهم است به بالاترین میزان می‌رسد. وجود پیامبر<sup>(ص)</sup> و اصحاب ایشان در منظومه *عیوقی* (۱۳۴۳: ۱۱۸)، جنگ‌های با اسمرای جهود و با قیصر به‌عنوان نماینده دین مسیح در *همای‌نامه* (۱۳۸۳: ۳۸، ۶۳، ۱۰۱ و ...)، اشاره به بت‌پرستی چینیان به‌عنوان ضدقهرمان و وجود تشبیه‌ها و تلمیحات فراوان به شخصیت‌های دینی، مانند یعقوب، ایوب، خضر و ... در مثنوی خواجه کرمانی و *سامنامه* (۱۳۷۰: ۲۸۹، ۲۹۷، ۳۲۴، ۳۲۶ و ۱۳۸۲: ۳۸۴) و در *بدیع‌الزمان‌نامه* وجود اشخاصی مانند خضر، یعقوب، سلیمان، یوسف و ... (۱۳۸۶:

۱۶۹) بر این مهم تأکید می‌کند. بخش متمایز *سام‌نامه* از منظومه‌ی خواجو بیشتر متأثر از عناصر مذهبی است که می‌تواند تحت تأثیر دوره‌ی سرایش این منظومه با شد. اعتقاد را سخ سام به یکتایی خداوند، یاری‌جستن از خداوند در مقابل سختی‌ها، یادکردن از خداوند در هر حال، تبلیغ دین، بت‌پرستی مخالفان قهرمان، شیرپرستی عالم‌افروز پری، شیطان‌پرستی نیمه‌تنان، اشارات قرآنی و اسلامی و تلمیح به داستان پیامبران از نمودهای بارز بن‌مایه‌ی مذهب در روایت *سام‌نامه* است. برجسته‌ترین دشمن سام، شداد است که ادعای خدایی دارد؛ مانند ادعای خدایی فرزند عاد در روایات اسلامی که سبب نابودی او شد. دیگر می‌توان به نبرد سام با عوج‌بن‌عنق اشاره کرد که از اشخاص مهم در تاریخ و مذهب است که به‌دست موسی(ع) کشته شد (مجم‌التواریخ و‌القصص، ۱۳۷۹: ۱۰۵ و ۲۰۳).

سراینده‌ی *بدیع‌الزمان‌نامه* به‌طور مستقیم از نگرش‌ها و رویکردهای مذهبی قهرمان یاد می‌کند؛ زیرا از بزرگ‌ترین اهداف قهرمانان این نوع داستان‌ها رواج‌دادن دین درست و طریق یکتاپرستی و آیین‌خداشناسی است که به اسلام تعبیر می‌شود (*بدیع‌الزمان‌نامه*، ۱۳۸۶: ۵۸، ۶۸) (همان، ۶۳، بیت ۴۰۵)؛ حتی قهرمان پیش از اسلامی مانند اسکندر در داستان‌ها مسلمان و مبلغ اسلام است. قهرمانان دینی در برابر جادوان به حربه‌ی دعا و خواندن آیات قرآنی و با گفتن اسم اعظم جادوان را نابود یا اسیر می‌کردند (همان، ۱۲۶۱). از نبرد قهرمان با تیمور تا پایان روایت، مسلمان‌شدن دشمنان از اهداف *بدیع‌الزمان* است. او در صورتی از کشتن حریفان می‌گذرد که اسلام بیاورند (همان، ۶۸، بیت ۵۳۵). بسیاری از رفتارهای قهرمان بر مبنای باورهای دینی است؛ به‌طوری‌که *بدیع‌الزمان* برای رسیدن به طلسم سه روز و سه شب به عبادت خداوند می‌پردازد تا در خواب، اسکندر راه گشودن طلسم را به او نشان می‌دهد (همان، ۷۱). از دیگر نمودهای دین‌باوری قهرمان در این اثر تکبیرگفتن‌های مکرر او و یاورانش در میدان جنگ، خواندن اسم اعظم برای نابودکردن کنیزان شهنواز جادو و دیو و یاری‌جستن *بدیع‌الزمان* از خداوند برای پیروزی بر حریفان است (همان، ۱۶۷). دیگر نشانه‌های اعتقادی قهرمان در این منظومه نابودکردن بت‌خانه‌های چین، برپاکردن مسجد (همان، ۱۷۱)، قسم یادکردن به اسلام، خدا، ایمان و قرآن (همان، ۱۸۴)، نامه‌نویشتن با نام و حمد خداوند و درودفرستادن بر پیامبر(ص) و آل او (همان، ۱۰۳)، و یادکردن صفات خداوند (همان، ۱۶۹) است.

اهمیت دین و گسترش آن در نظر قهرمان تا آنجا است که نتیجه نبرد قهرمان با مرجان زنگی به مسلمان شدن این موجود افسانه‌ای ختم می‌شود (همان، ۷۱). در حالی که در متون حماسی پیشین و درباره دیگر اشخاص افسانه‌ای داستان، شاهد نابودی آنها هستیم. به نظر می‌رسد که تعصب مذهبی شاعر و عصر او، او را بر آن داشته است که در اثبات حقانیت دینش، قهرمان را قادر بر مسلمان کردن موجودات افسانه‌ای معرفی کند و از او اسطوره‌ای بدیع بسازد. بدین ترتیب، قهرمان بدیع‌الزمان‌نامه عاشقی متعصب تحت تأثیر تعصب مذهبی دوره سرایش است.

«صاحب‌قران» از القاب پرسامد قهرمان در این روایت است. با توجه به فراوانی کاربرد این لقب در عصر صفوی برای افرادی مانند شیخ صفی، شاه اسماعیل، چنگیزخان و امیر تیمور گورکان، شاید سراینده در کاربرد این لقب از جامعه سیاسی دوره سرایش اثر پذیرفته باشد.

## ۵. نتیجه‌گیری

مطالعه موردی متون در ژانری واحد، بازشناخت عناصر تشکیل‌دهنده یک نوع ادبی را برای محققان ممکن می‌کند و روشی کارآمد و نزدیک به واقع در معرفی علمی متون است. در این نوع مطالعه‌ها، بیش از رده‌بندی آثار در ذیل انواع، شناخت همه‌جانبه آن متون ممکن می‌شود. از رهگذر چنین مطالعاتی بسیاری از ویژگی‌های ناشناخته و معرف یک اثر آشکار می‌شود که در نتیجه آن، می‌توان به شاخص‌های معرف یا چگونگی شکل‌گیری یک ژانر دست یافت.

نوع ادبی «عاشقانه رزمی»، روایتی منظوم از کردارهای پهلوانی و عاطفی قهرمان و بزرگ‌بانوی جنگ‌جو با انگیزه عشق زمینی دوسویه است که با بن‌مایه‌های عامیانه و تعلیمی به پایانی مطلوب (وصال / سلطنت) منتهی می‌شود. در این پژوهش، با بررسی منظومه‌های عاشقانه رزمی از قرن پنجم تا دهم (ورقه و گلشاه عیوقی، همای‌نامه، همای و همایون، سام‌نامه، مثنوی جمال و جلال و بدیع‌الزمان‌نامه) به معرفی شخصیت قهرمان پرداخته شد.

قهرمان این دسته از روایات به‌سبب قرارگرفتن ذیل یک ژانر واحد، برخی ویژگی‌های مشترک دارد. داستان منظومه‌های عاشقانه رزمی، به روایت زندگی قهرمانی می‌پردازد که شخصیتی جامع و ناشناخته، از نسل بزرگان و شاهان، قهرمان مسافر، عاشق، پهلوان، اخلاق‌گرا، صلح‌طلب، یزدان‌پرست، موفق و عیار است که عامل اصلی کنش‌ها و برانگیزنده کردار دیگر اشخاص متعدد روایت و نیز قهرمان مطلوب عامه است. از سوی دیگر، به‌سبب



عوامل واقع‌نما، سنت نقل و برون‌متن می‌توان قهرمان این نوع روایات را بر مبنای نوعی طبقه‌بندی ایرانی-اسلامی در مرتبه خدا، پیامبر، اولیاءالله، رهبر و مردم عامه قرار داد که در روایت عیوقی، به مرتبه رهبر و در دیگر روایات، به مرتبه اولیاءالله نزدیک می‌شود. نیز، بر اساس نظریه فرای، قهرمان در روایات عاشقانه رزمی در مرتبه‌ای برتر از دیگر انسان‌هاست. شخصیت قهرمان، با میزان متغیر، به سبب ذائقه ادبی مردم و شهرت برخی از آثار در دوره سرایش، تحت تأثیر شخصیت‌پردازی داستان‌های شاهنامه، اسکندرنامه نقلی و حمزه‌نامه است. با توجه به اوضاع سیاسی-مذهبی حاکم بر جامعه عصر سراینده، مذهب قهرمان به تدریج برجسته می‌شود، تا جایی که در بدیع‌الزمان‌نامه به قهرمان متعصب بدل می‌گردد. پرداخت شخصیت قهرمان از دیدگاه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی در این نوع متون مطالب بیشتر و شایسته توجهی را از دوره سراینندگان به دست می‌دهد که می‌تواند موضوع دیگر مقالات باشد.

### پی‌نوشت

۱. تعداد ابیات منظومه بر اساس تصحیح صفا ۲۲۳۹ بیت است؛ نیز، تعداد ۲۱۰۰ (ذوالفقاری، ۱۳۷۴: ۱۲۱) و عدد ۲۲۵۰ بیت هم برای این منظومه ذکر کرده‌اند (غلامرضایی، ۱۳۹۳: ۷۸).
۲. جریبن عطیه بن خطفی تمیمی (۱۰هـ.ق/۷۲۸م)، در غزل، رثا و هجا بر اقرانش برتری داشت. مدح بزرگان شام و بصره را گفته و با یزید بن معاویه و حجاج بن بشر مروان دیدار کرده است (بهروز، ۱۳۷۷: ۱۳۵). در حال حاضر دیوانی از اشعار او موجود است.

### 3. Character

### 4. Protagonist

### 5. Hero

### 6. Round character

۷. وجود رقم وقفی در حاشیه برگ دوم نسخه موجود از همای‌نامه.
۸. بستار روایت (پایان روایت، فرجام بازگفت، بن‌بازگفت، narrative closure): نوعی نتیجه‌گیری همراه با القای حسی که بر مبنای آن روایت یا تسلسل روایی به پایان داستان رسیده و با یک پارچگی و انسجام نهایی ارائه می‌شود. پایانی که در مخاطب حس تکمیل و غایتی شایسته پدید می‌آورد (پرینس، ۱۳۹۱: ۳۴).
- ۹.

بود یک پیک شاطر عیار	رفتنش چون کبوتر طیار
تیربندش چو بر میان بودی	گوی رفتن ز ماه بر بودی
راه اگر دشت بود اگر گه و سنگ	بود منزل شبی‌ش صد فرسنگ
رفتی اندر درون حصن حصین	گر بدی قلعه بر زمین رو بین

می‌رودی به ضرب تیر خدنگ خال زنگی به شب ز چهره زنگ  
(نزل آبادی، ۱۳۸۲: ۳۶)

۱۰. برمنای زندگی حقیقی عروه بن حزام از شعرای صدر اسلام و عفرا بنت عقال از اشخاص حقیقی است.
۱۱. دیدن رؤیای صادقه و جنگ با خاقان چین از بخش‌های *اسکندرنامه* قدیم (قرن ۶-۸) است (کیرج افشار، اسکندرنامه، ۱۳۴۳).
۱۲. داستان چهل‌ونهم «کیفیت بدیع‌الزمان پسر امیرالمؤمنین حمزه (رض) که پریان پرورده بودند و کیفیت خواجه خضر مهتر لباس که چگونه بدیع‌الزمان از آب کشیدند»، داستان پنجاه‌دوم: «گرفتن بدیع‌الزمان نجعه شترپا را و رفتن رستم در فرنگ به مدد فتحنوش و گریختن فرنگیان» و داستان شصت‌ویکم: «بردن مرزبان زردهشت سعدبن عمر را به حرکت بر گاو لنگی و رفتن بدیع‌الزمان با تمام سپاه دنبال مرزبان» (شعار، ۱/۱۳۴۷: فهرست مطالب).
۱۳. با بهره‌گیری از داستان عروه و عفراء از متن *الآغانی و تزیین‌الاسواق* از داوود انطاکی.
۱۴. آن آثار در پیکره متنی معرفی شده است.

## منابع

- ابراهیم، عبدالحمید (۱۹۷۲) *قصص العشاق النثریه فی العصر الاموی*. القاهرة: مجلس رعیاه الفنون و الادب.
- ابوالفرج اصفهانی، علی‌بن حسین (۲۰۰۲) *الآغانی*. به کوشش یوسف البقاعی و غرید الشیخ. الطبعه الاولی. الجزء الرابع و العشرون. مؤسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت.
- ادیب برومند، عبدالعلی (۱۳۵۷) «بحث در شاهنامه فردوسی: قهرمان ملی از نظر فردوسی». گوهر. شماره ۶۵ و ۶۶: ۴۴۶-۴۵۰.
- اسدی طوسی، ابومنصور علی‌بن احمد (۱۳۸۶) *گرشاسپ‌نامه*. تصحیح حبیب یغمایی. تهران: دنیای کتاب.
- اسکندرنامه* (روایت فارسی کالیستنس دروغین) (۱۳۴۳) به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اسکولز، رابرت (۱۳۸۷) *عناصر داستان*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: مرکز.
- اشکی، مصیب (۱۳۹۲) «دگردیسی‌های قهرمان در شاهنامه». *زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد سنندج*. سال پنجم. شماره ۱۴: ۱-۳۵.
- براون، ادوارد (۱۳۶۸) *تاریخ ادبیات ایران* (از فردوسی تا سعدی). چاپ چهارم. نیمه دوم. تهران: مروارید.
- بهرامی، ایرج (۱۳۸۷) *قصه عاشقان قدیمی: چشم‌اندازی بر چگونگی قصه عامیانه و قصه‌گویی در ایران از آغاز تا امروز*. تهران: ورجاوند.
- پرهام، سیروس (۱۳۳۶) «سیمای قهرمان در داستان‌های عامیانه». *صدف*. شماره ۴: ۲۸۵-۲۹۱.
- پرینس، جرال (۱۳۹۱) *روایت‌شناسی* (شکل و کارکرد روایت). ترجمه محمد شهبان. تهران: مینوی خرد.

پلوسکی، آن (۱۳۶۴) *دنیای قصه‌گویی*. ترجمه محمدابراهیم اقلیدی. تهران: سروش.  
حنیف، محمد (۱۳۸۳) «فردوسی و هنرمندی در خلق قهرمان و ضد قهرمان‌های ماندگار». *فردوسی*. شماره ۱۶ و ۱۷: ۲۸-۳۲.

خواجوی کرمانی، محمودبن‌علی (۱۳۷۰) *خمسه خواجوی کرمانی*. تصحیح سعید نیازکرمانی. کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.

ذوالفقاری، حسن (۱۳۷۴) *منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی*. تهران: نیما.  
روایانی، وحید (۱۳۹۰) «بررسی تأثیر شاهنامه بر سام‌نامه». *پژوهش‌نامه زبان و ادبیات فارسی* (گوهر گویا). دوره پنجم. شماره دوم: ۱۳۷-۱۶۴.

*سام‌نامه* (۱۳۸۶) به‌کوشش میترا مهرآبادی. تهران: دنیای کتاب.  
سرامی، قدمعلی (۱۳۶۸) *از رنگ گل تا رنج خار*. تهران: علمی و فرهنگی.  
سیدعرب، حسن (۱۳۸۶) «فتوت». *دایره‌المعارف تشیع*. جلد ۱۲. تهران: شهید سعید محبی.

شعار، جعفر (۱۳۴۳) *قصه حمزه (حمزنامه)*. جلد ۱. تهران: دانشگاه تهران.  
شعار، جعفر (۱۳۴۷) *قصه حمزه (حمزنامه)*. جلد ۲. تهران: دانشگاه تهران.  
شکری، یدالله (۱۳۶۳) *عالم‌آرای صفوی*. چاپ دوم. تهران: اطلاعات.

شکیبی‌ممتاز، نسرین و مریم حسینی (۱۳۹۲) «طبقه‌بندی انواع خویشتاری تولد قهرمان در اسطوره‌ها، افسانه‌ها، داستان‌های عامیانه و قصه‌های پریان». *فرهنگ و ادبیات عامه*. سال اول. شماره ۱: ۱۷۰-۱۴۳.  
صدرحاج‌سیدجواد، احمد؛ کامران فانی، و بهاء‌الدین خرمشاهی (۱۳۷۵) «اخلاق». *دایره‌المعارف تشیع*. تهران: شهید سعید محبی.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳) *تاریخ ادبیات در ایران*. جلد اول تا پنجم. چاپ نهم. تهران: فردوسی.  
عبدالله، عبدالمطلب و سید رازق (۱۳۹۰) «قهرمان مسئله‌دار در رمان‌های مدیر مدرسه و سووشون». *پژوهش‌نامه زبان و ادب فارسی* (گوهر گویا). دوره پنجم. شماره ۱ (پیاپی ۱۷): ۱۲۵-۱۴۶.

علی‌حوری، محبوبه (۱۳۹۹) *سنجۀ نوع عاشقانه رزمی در منظومه‌های فارسی از قرن پنجم تا پایان قرن دهم*. رساله دکتری. استاد راهنما محمدجعفر یاحقی. دانشگاه فردوسی.

عنصرالمعالی، کیکاووس‌بن‌اسکندر (۱۳۵۲) *قابوس‌نامه*. تصحیح غلامحسین یوسفی. چاپ دوم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

عیوقی (۱۳۴۳) *ورقه و گلشاه عیوقی*. به‌کوشش ذبیح‌الله صفا. تهران: دانشگاه تهران.  
غلامرضایی، محمد (۱۳۹۳) *داستان‌های غنایی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.  
فرای، نورتروپ (۱۳۷۷) *تحلیل نقد*. ترجمه صالح حسینی. تهران: نیلوفر.

فروغ، مهدی (۱۳۵۴) «رستم قهرمان تراژدی». هنر و مردم. شماره ۱۵۳ و ۱۵۴: ۳-۹.  
کاشی، عبدالرزاق (۱۳۵۱) *تحفه الاخوان در بیان اصول فتوت و آداب فتیان*. تصحیح محمد دامادی.  
تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

کاشفی سبزواری، حسین (۱۳۵۰) *فتوت‌نامه سلطانی*. به کوشش محمدجعفر محبوب. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

کاظمینی، کاظم (۱۳۴۵) *مقام جهانی ایران در بنیانگذاری روح قهرمانی و گسترش خصال عالی ورزشی*. چاپ دوم. چاپ مطبوعات.

کوری، گریگوری (۱۳۹۱) *روایت‌ها و راوی‌ها*. ترجمه محمد شهباز. تهران: مینوی خرد.  
کهدویی، محمدکاظم و مرضیه شیروانی (۱۳۸۸) «شخصیت‌پردازی قهرمان زن در رمان‌های شوهر آهوخانم و سووشون». *نامه پارسی*. شماره ۴۸ و ۴۹: ۷۱-۸۶.

محبوب، محمدجعفر (۱۳۹۳) *ادبیات عامیانه ایران*. به کوشش حسن ذوالفقاری. چاپ پنجم. تهران: چشمه.  
منوچهرخان حکیم (۱۳۸۸) *اسکندرنامه (از فرنگ تا هندوستان)*: بازسازی کهنه‌ترین نسخه اسکندرنامه *تقالی*. به کوشش علی‌رضا ذکاوتی قراگزلو. تهران: سخن.

مول، زول (۱۳۶۹) *دیاچه شاهنامه فردوسی*. ترجمه جهانگیر افکاری. چاپ چهارم. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

نزل‌آبادی سبزواری، محمد (۱۳۸۲) *مثنوی جمال و جلال*. تصحیح شکوفه قبادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

نفیسی، سعید (۱۳۶۳) *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی*. جلد اول. تهران: فروغی.

نفیسی، سعید (۱۳۰۷) *احوال و منتخب اشعار خواجه جوی کرمانی*. تهران: مؤسسه خاور.

هجویری، علی‌بن عثمان (۱۳۷۵) *کشف‌المحجوب*. تصحیح ژو کوفسکی. چاپ یازدهم. تهران: طهوری.